



مقدمه کتاب

این کتاب برای پدران و مادران ، مسئولان پارک ها و زمین های بازی و همینطور برای خود بچه ها عرضه می شود. در این کتاب بازیهای مختلف محل های سرپوشیده و فضای آزاد قید گردیده اند که اساساً با ورزشهای رسمی تفاوت دارند . این بازیها برای کودکان سنین متفاوت، از سن قبل از مدرسه تا کودک کان مدرسه ابتدائی می باشند . البته بعضی از بازیها برای نوجوانان هم مفید می باشند . بازیهای قید شده در این کتاب با توجه به زندگی امروزی و ویژگیهای آن انتخاب شده و مقررات و قوانین این بازیها با همین خصوصیات مطابقت داده شده اند . پس ویژه گیهای زندگی کودک در مدرسه ، خانه و اجتماع در انتخاب و تدوین این بازیها رعایت شده اند.

در حال حاضر نیاز شدیدی بوجود این کتاب احساس می شود . زندگی خانوادگی و رسوم و عادات پرورش کودک با تغییرات محیط و گرایش بسوی زندگی پیش ساخته که اصولاً دشمن رشد و پرورش کودک است، بخطر افتاده است . شلوغی شهر و ازدحام مدرسه ، کمبود محل امن برای بازی و نبودن هوای آزاد و غیر آنوده ، اعتیاد کودکان به تماشای تلویزیون

از جمله مسائلی هستند که روح بازیهای خود- بخودی و فرهنگ کودک را از بین می‌برند .
دوروتی هووارد Dorothy Howard فولکور شناس انگلیسی ، در مقدمه‌ای که برای کتاب «بازیهای سنتی انگلستان، اسکاتلند و ایرلند» نوشته آلیس گومز Alice Comme برشته‌تحریر درآورده ، اظهار امیدواری کرده است که با تجدید چاپ این کتاب کلاسیک، فولکسور کودک‌کان جنبه علمی و فرهنگی بخود خواهد گرفت . باوجود ایسن او تلاش می‌کند که بازیهای گذشته را جرح و تعدیل نموده و با پیراستن مجدد آنها ، این بازی‌ها را بصورت قابل استفاده دربرنامه‌های نظارت شده‌بازی، درآورد . منظور او ایسن است که بازیهای مختلفی را که در طول سالیان متعدد سینه به سینه در زمین‌های بازی از کودکان به یکدیگر منتقل شده ، به رشته تحریر درآورده و به آنها نظم و ترتیب خاصی ببخشد .

مطلب واضحی است که اگر این بازیها با فرهنگ کودک‌کان بصورت دهان به دهان از یک نسل به نسل دیگر منتقل بشود ، بهتر است . لیکن خانم هووارد هم مانند بسیاری دیگر از کسانی که در این زمینه کار میکنند، نگران محدودیتهایی هستند که بردست‌وهای کودکان امروزی گذاشته شده و آنها را از رشد انسانی و عاطفی خود باز میدارد . لذا قبل از آنکه فولکور کودکان کاملاً در اختیار فونکوریست ها ، فرهنگ شناسان و منابع علمی دیگر قرارگیرد ، تمسدادی از آنها را که برای کسودکان امروز قابل استفاده می‌باشد جمع‌آوری کرده و در اینجا بصورت زنده و عملی ذکر می‌کنیم . ایسن بازیها یا بطور کلی فرهنگ کودک‌کان همیشه باید به کودکان تعلق داشته باشد . حتی دخالت‌های بزرگسالان برای تجدید حیات این فولکورها

نباید آنها را از کودکان بگیرد .

البته باید توجه داشت که بازی با اسباب بازی با بازیهای که در آن اسباب بازی بکار نمی‌آید ، تفاوت دارند . بازیهای که در آنها اسباب بازی بکار می‌رود ، یا از نوع بازیهای اکتشافی هستند و یا مستلزم نقش بازی کردن خود کودکان می‌باشد . ولی تمام بازیهای از نوع بدون اسباب بازی کاملاً مستلزم فعالیت و حرکات خود کودکان می‌باشند . یعنی میتوان گفت که در این بازیها کودک محققاً فعالیتی را شروع می‌کند که ضمن تقلید و همانند سازی یک نمونه ، نقش بخصوصی را که یا مهاجم و یا مدافع باشد ، بازی می‌کند . زمینه مشترک بازیها بطور کلی در این عبارت نهفته است که «هدف سازی در خودبازی است»

بعضی از انواع بازیها بطور کاملاً آگاهانه

حذف شده است چون بعضی از بازیهای گذشته برای کاربرد گسترده کودکان امروزی کفایت نمی‌کنند ، بعضی از بازیها هم چنان اختصاصی هستند که می‌توانند موضوع کتاب بخصوصی باشند . پس بازیهایی که مستلزم دانستن یک داستان ، خواندن یک آواز و یا انجام بعضی کارهای بخصوص می‌باشند ، در این جا قید نشده و مستثنی گردیده‌اند .
هریک از بازیهایی که در این کتاب ذکر می‌شوند ، در آغاز اطلاعاتی را در اختیار می‌گذارند که خواننده تشخیص بدهد که چه سن خاصی را شامل می‌شود . از آنجائی‌که کودکان از نظر رشد با یکدیگر تفاوت دارند ، لذا اصولاً من مخالف این نظریه هستم که فعالیتها ، اسباب بازیها ، کتاب‌ها و یا صفحات را بر حسب گروه‌های سنی جدا کنیم ، ولی چون این بازیها را باید بصورت گروهی انجام داد و یا بهتر بگوئیم ، اینها بازیهای گروهی هستند،

لدا یک میانگین سن نر و باید در نظر گرفته شود. برای انجام آزمایش، در آغاز باید این بازیها را به گروه‌های سنی پائین‌تر ارائه کرد. در صورتیکه در بازی کودک عدم علاقه و یا اشکالاتی مشاهده بشود، می‌بایست بازی را قطع کرده و برای آنها توضیح کافی بدهیم.

بیشتر بزرگسالان امروزی از جمله پدران و مادران برخلاف گذشته اطلاع زیادی از گنجینه وسیع بازیها ندارند. سربیان جوان اولین نسلی هستند که اکثر اوقات خود را در جلوی تلویزیون گذرانده و به سبب محدودیتهائی که خود آنان نیز داشته‌اند، قادر نیستند بازیهای متنوعی را به کودکان عرضه نمایند. در نتیجه کودکان و نوجوانانی که با چنین سربیسانی تماس داشته باشند، از فقدان تجربیات مربوط به بازی رنج می‌برند.

تا قبل از آغاز قرن حاضر، بچه‌های بزرگتر در هر خانواده مسئولیتهائی در مورد بچه‌های کوچکتر خانواده بعهده داشتند. کودکان قبل از مدرسه این امکان را داشتند که بازی برادران و خواهران بزرگتر خود را در زمینهای بازی، باغها و سایر مناطق امن و مخصوص بازی، مشاهده نمایند. حتی بچه‌ها قادر بودند در خیابانهای محلات مسکونی که خطر برخورد با اتومبیل را به صورت امروزی نداشتند، بازی بکنند. دوستان سال پیش، بازیهای مخصوص کودکان شبیه بازیهای بودند که بزرگسالان در دهکده‌ها و ویلاهای می‌کردند، کودکان فقط رنج تقلید را بر خود هموار می‌کردند و از بزرگسالانی که در اطرافشان بودند، بازیهای مختلفی فرا می‌گرفتند.

محیط‌های صنعتی قبل از هر چیز اینس فراوانی بازی را از کودکان دریغ کردند. سرب بزرگ آلمانی در قرن هجدهم، فردریک فروبل، به این نتیجه رسید که کمبود مدل و

نمونه برای تقلید کودکان ممکن است رشد متعادل آنان را مختل نماید. او پیشنهاد کرد که آموزش توأم با سیستمی از بازیها باشد تا شاید جایگزینی برای فرهنگ خود بخودی کودکان بوجود آید.

ولی پیشنهادات او بزودی تبدیل به یک سیستم آموزش رسمی گردید و مدیران مدرسه و پدر و مادران آن روزگار در این تغییر و تبدیل ذی نفع بودند.

اخیراً بازی را بعنوان یکی از راههای آموزش مجدداً مورد شناسائی قرار داده‌اند. معهداً این خطر هم وجود دارد که این طریقه هم به صورت دیگری از تدریس رسمی شناخت کودکان تبدیل شده و جنبه‌های تجربی و اجتماعی کننده بازی مورد غفلت قرار بگیرد.

قبل از آنکه کودک بتواند از آموزش رسمی برخوردار شود، لازم است که تجربیاتی در کنترل درونی، خود آشکاری، هماهنگی کسب نموده و قدرت خویش را در بتون مزاج، شوخی، کنجکاوی و بصیرت به آزمایش بگذارد. او باید فرصت رهبری و همینطور تبعیت از قانون را داشته باشد. به کودک باید اجازه داد تا موفقیت را پذیرفته و شکست را با وقار و متانت تحمل نماید. او باید فعالانه در فعالیت‌های قابل تحسین شرکت نموده و عملاً از آن لذت ببرد. بازیها به کودک کمک می‌کنند تا بعضی از این نیازمندیها را برآورده و مهارت‌های لازم را در این زمینه کسب نمایند. بازی به کودک فرصت می‌دهد تا بدون توجه به استعدادها و نارسائیهای خاصی که دارد، بطور مساوی همراه سایر کودکان در فعالیت‌ها شرکت کرده و تجربیات ضروری برای یادگیری‌های آینده را کسب نمایند.

اکثریت فعالیتهای ورزشی مدارس امروزه طوری ترتیب داده شده‌اند که فقط کودک کان

ماهر می‌توانند در آنها شرکت نمایند. بقیه کودکان معمولاً بصورت تماشاچی باقی می‌مانند ، که این عادت در منزل هم بسا نشستن روی روی تلویزیون و تماشای توأم با سکوت آن ، تقویت می‌شود . در نتیجه بسیاری از کودکان از تمرینات جسمانی و مهارت‌های پایه برای یادگیری‌های علمی و اجتماعی آینده ، برخوردار نمی‌گردند علاوه بر این محرومیت‌ها ، کودکان در منازل و مسدود شدن هم از محدودیت‌هایی برخوردار هستند. بزرگسالان بین دو قطب آزاد گذاردن کودکان و تسلط کامل به آنها نوسان می‌کنند ، لیکن هیچ یک از این حالتها به کودک این فرصت را نمیدهد که خود را در معرض آزمایش و خطا قرار داده و قوانین طبیعی وجود خویش را پیدا کند . فقط کودکانی که فرصتهای مناسب و کافی برای بازی داشته باشند ، قادر خواهند بود که بین بازیهای شاد و موقعیت‌های پیچ و بی‌معنی تفاوت گذاشته و از طرفی بدانند که خصومت و دشمنی با تعصب و بی‌گیری جدی هدفها ، تفاوت دارند .

کراراً در فصول بعدی این کتاب هم مورد تأکید قرار گرفته است که کودکان نباید صرفاً پیرو و دنباله‌رو فعالیت‌ها و کارهایی باشند که به آنها گفته می‌شود ، بلکه برعکس ، باید آنها را تشویق کرد تا خود بدنبال ابداع فعالیت‌های خاص نیز بوده و قوانین موضوعه را نیز رعایت نمایند . فقط به این ترتیب است که کودکان یاد می‌گیرند نه فقط بازی ، بلکه کلیه‌های جنبه‌های زندگی نمیتواند بدون رعایت قوانین و مقررات قابل استفاده و لذت بخش باشد .



اندیشه عدم رعایت مقررات و پای بند نبودن به قوانین که هم‌اکنون در بین برخی از جوانان وجود دارد ، ناشی از همین بی‌تجربگی

و مجری را بعهده بگیرند. حضور یک بزرگسال مورد احتیاطی که در کنار کودک کان مداخله نکند، یا یک نوجوانی که چنین صفاتی را داشته باشد. در بازی کودکان سنین دبستانی ممکن است نقش یک نفوذ اداره کننده را داشته باشد.

مطالب دپل برای کسانی که بخواهند در منزل یا مدرسه بازیهای برای کودکان ترتیب داده ویا بازی آنان را تحت نظارت و سرپرستی خود قرار بدهند، مفید می باشند.

نقش رهبر بازی :

مقررات بازیها :

بجز در ورزشهایی مثل فوتبال ووالیبال که از مقررات یکنواختی پیروی می کنند، و در صورتیکه کودکان ذهن ورزشی نداشته و نخواهند بازیها را مانند فعالیت های ورزشی انجام بدهند، در آنصورت بهتر اینست که تغییرات مقررات بازی را بعهده خود کودک کان گذارده و اساس کار را موافقت خود آنان قرار داد. باید قبلاً بحث گروهی را در مورد چگونگی اجرای بازی برانگیخت. با هرگونه مقرراتی که سبب ایجاد تبعیضاتی علیه کودک کان کوچکتر وضعیتر یا کودک کان گوشه گیر میشود و یا اینکه موجب ایجاد درد و یا صدماتی میگردد، باید شدیداً مخالفت کرده و این گونه مقررات را از میان برد.

بعضی از رهبران بازی فکر میکنند که کودکان درس بزرگی از قوانین و مقرراتی که بوسیله رهبران اتخاذ می گردد، یاد بگیرند. ولی این رفتار در اکثر مواقع منجر به مقاومت کودک کان گشته یا صرفاً باعث می شود که آنان باحالت بی تفاوتی و بصورت غیرعاسل به بازی بپردازند. کودکان وقتی ارزش مقررات را شناخته و به آن احترام می گذارند که اولاً قابل استفاده در زندگی و بازی آنان بوده و از طرفی خود آنان فرصت ابداع و آزمایش آنها را بدست آورده باشند.

یک آموزگار با تجربه بخوبی میداند که برای سازمان دادن و نظارت گروه های کودکان چقدر نظارت و هدایت ضرورت دارد. ولی علیرغم این دانش و حسن نیت، گاهی بازیهای کلاسی یا بازیهای اجرا شده در زمین های بازی بصورت یک فعالیت انضباطی شدید و حتی تنبیه درمی آید. نقش رهبر بازی باید محدود به این موارد باشد: پیشنهاد و آغاز بازی، کمک به کودکان برای کسب مهارت های لازم، تهیه مواد و وسایل و بعهده گرفتن نقش یک داور که به هنگام ضرورت و در مواقعی که کودک کان خودشان قادر به اخذ تصمیم نباشند، دخالت نموده و نظر خود را اظهار نماید.

کودکان قبل از مدرسه در آغاز بازیهای گروهی کمک زیادی لازم دارند آنها را نمیتوان به اجبار و اداریه بازی نمود. دسته بندی و تقسیم آنان محققاً اشتیاق آنان را برای یاد گرفتن چگونگی کار با وسایل بازی، چگونگی رعایت مقررات و بالاخره نحوه نوبت گرفتن در بازی را، از بین خواهد برد کودک کان بزرگتر را باید تشویق کرد تا مقررات موجود را رعایت کرده و مقررات دیگری نیز درست نمایند. آنان باید قادر باشند سازشی بین خود و دیگران ایجاد کرده و بازی را تحت نظم در آورند. به کودکان باید فرصت داده شود تا در میان اعضاء گروه هم نقش رهبر و نقش پیرو